

## "دعای کمیل"

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ**

خدایا از تو درخواست میکنم به آن رحمت بی‌انتهایت که همه موجودات را فراگرفته است

**وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي فَهَرَّتْ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ**

و بتوانایی بی‌حدت که بر هر چیز مسلط و قاهر است و همه اشیاء خاضع و مطیع اوست و تمام عزتها در مقابلش ذلیل و زبون است

**وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ**

و به مقام جبروتت و بزرگیت که همه قدرتها برابر او مغلوب است

**وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ**

و به عزت و اقتدارت که هر مقتدری از مقاومتش عاجز است

**وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ**

و به عظمت و بزرگیت که سراسر عالم را پر کرده است و به سلطنت و پادشاهیت که بر تمام قوای عالم برتری دارد

**وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ**

و بذات پاکت که پس از فناى همه موجودات باقى ابدى است

**وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ (غَلَبْتَ) أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ**

و بنامهای مبارکت که در همه ارکان عالم هستی تجلی کرده است

**وَبِعِلْمِكَ الَّتِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّتِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ**

و به علم ازلیت که بر تمام موجودات محیط است و به نور تجلی ذاتت که همه عالم را روشن ساخته است

**يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ**

ای نور حقیقی و ای منزّه از توصیف، ای پیش از همه سلسله و بعد از همه موجودات پسین

**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهَنِكُ الْعِصَمَ**

خدایا ببخش آن گناہانی را که پرده عصمت را می‌برد

**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّعَمَ**

خدایا ببخش آن گناہانی را که بر من کیفر عذاب نازل می‌کند

**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ**

خدایا ببخش آن گناہانی را که در نعمت را به روی من می‌بندد

**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ**

خدایا ببخش آن گناہانی را که مانع قبول دعاهايم می‌شود

**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ**

خدایا ببخش آن گناہانی را که بر من بلا می‌فرستد

**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا**

خدایا هر گناهی که مرتکب شده‌ام و هر خطایی از من سر زده همه را ببخش

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيَّ نَفْسِي**

ای خدا من به یاد تو بسوی تو تقرب می‌جویم و تو را سوی تو شفیع می‌آورم

**وَ أَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدَيِّنِي مِنْ قُرْبِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ**

و از درگاه جود و کرمت مسئلت می‌کنم که مرا به مقام قرب خود نزدیک سازی و شکر و سپاس خود را به من بیاموزی و ذکر و توجه حضرتت را بر من الهام کنی

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ**

خدایا از تو مسئلت می‌کنم با سؤالی از روی خضوع و ذلت و خشوع و مسکنت

**أَنْ نُسَامِحَنِي وَ تَرْحَمَنِي وَ تَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا**

که کار بر من آسان گیری و به حالم ترحم کنی و مرا به قسمت مقدر خود خوشنود و قانع سازی و در هر حال مرا متواضع گردانی

**اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ أَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَ عَظُمَ فِيهَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ**

خدایا من از تو مانند سائلی درخواست می‌کنم که در شدت فقر و بیچارگی باشد و تنها به درگاه تو در سختیهای عالم عرض حاجت کند و شوق و رغبتش به نعم ابدی که حضور توست باشد

**اللَّهُمَّ عَظْمَ سُلْطَانِكَ وَ عَلَا مَكَانِكَ وَ خَفِيَ مَكْرِكَ**

ای خدا پادشاهی تو بسیار با عظمت و مقامت بسی بلند و مکر و تدبیرت در امور پنهان است

**وَ ظَهَرَ أَمْرُكَ وَ غَلَبَ قَهْرُكَ وَ جَرَتْ قُدْرَتُكَ وَ لَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ**

و فرمانت در جهان هویداست و قهرت بر همه غالب است و قدرتت در همه عالم نافذ است و کسی از قلمرو حکومتت فرار نتواند کرد

**اللَّهُمَّ لَا أُجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا وَ لَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا وَ لَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْفَيِّحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرِكَ**

خدایا من جز تو کسی را نمی‌یابم که گناهانم ببخشد و بر اعمال زشتم پرده پوشد و کارهای بدم (از لطف و کرم) به کار نیک بدل کند

**لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ تَجَرَّاتُ بَجْهَلِي**

خدایی جز تو نیست ای ذات پاک و منزّه و به حمد تو مشغولم ستم نمودم به خودم و دلیری کردم به نادانی خود

**وَ سَكَنْتُ إِلَيْكَ قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَ مِنْكَ عَلَيَّ**

و خاطر من آسوده به این بود که همیشه مرا یاد کردی و بر من لطف و احسان فرمودی

**اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ فَيِّحٍ سَتَرْتَهُ وَ كَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ وَ كَمْ مِنْ عِتَارٍ وَقَيْتَهُ**

ای خدا ای مولای من چه بسیار کارهای زشتم مستور کردی و چه بسیار بلاهای سخت از من بگردانیدی و چه بسیار از لغزشها که مرا نگاه داشتی

**وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَ كَمْ مِنْ نِنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ**

و چه بسیار ناپسندیها که از من دور کردی و چه بسیار ثنای نیکو که من لایق آن نبودم و تو از من بر زبانها منتشر ساختی

**اللَّهُمَّ عَظْمَ بِلَائِي وَ أَفْرَطَ بِي سُوءِ حَالِي وَ قَصُرَتْ بِي أَعْمَالِي**

ای خدا غمی بزرگ در دل دارم و حالی بسیار ناخوش و کوتاهی عمل

**وَ قَعَدَتْ بِي أَغْلَالِي وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي**

و زنجیرهای علایق مرا در بند کشیده و آرزوهای دور و دراز دنیوی از هر سودی مرا باز داشته

**وَ خَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَ نَفْسِي بِجَنَابَتِهَا وَ مَطَالِي**

و دنیا به خدعه و غرور و نفس به جنابت مرا فریب داده است

**يَا سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي**

ای خدای بزرگ و سید من به عزت و جلالت قسم که عمل بد و افعال زشت من دعای مرا از اجابت منع نکند

**وَلَا تَفْضُخْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَ لَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتَهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ**

**سُوءِ فِعْلِي وَ إِسَاءَتِي وَ دَوَامِ تَفْرِيطِي وَ جَهَالَتِي وَ كَثْرَةِ شَهْوَاتِي وَ غَفْلَتِي**

و به قبايح پنهانم که تنها تو بر آن آگاهی مرا مفتضح و رسوا نگردانی و بر آنچه از اعمال بد و ناشایسته در خلوت بجا آورده‌ام و تقصیر و نادانی و کثرت اعمال غفلت و شهوت که کرده‌ام (کرم کن و) زودم به عفویت مگیر

**وَ كُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَءُوفًا وَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا**

ای خدا به عزت و جلالت سوگند که با من در همه حال رأفت و رحمت فرما و در جمیع امور مهربانی کن

**إِلَهِي وَ رَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَ النَّظَرَ فِي أَمْرِي**

ای خدا ای پروردگار جز تو من که را دارم تا از او درخواست کنم که غم و رنجم را برطرف سازد و به مآلم از لطف توجه کند

**إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أَجْرِيَتَ عَلَيَّ حَكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوِي نَفْسِي**

ای خدا ای مولای من تو بر من حکم و دستوری مقرر فرمودی و من در آن به نافرمانی پیرو هوای نفس گردیدم

**وَ لَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّبَنِي بِمَا أَهْوَى وَ أَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ**

و خود را از وسوسه دشمن (نفس و شیطان) که معصیتها را در نظرم جلوه‌گر ساخته و فریبم داد خود را حفظ نکردم و قضای آسمانی نیز مساعدت کرد

**فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرِي عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ وَ خَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ**

تا آنکه من در این رفتار از بعض حدود و احکامت قدم بیرون نهاده و در بعضی اوامرت راه مخالفت پیمودم

**فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرِي عَلَيَّ فِيهِ قِضَاؤُكَ وَ أَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَ**

**بَلَاؤُكَ**

حال در تمام این امور تو را ستایش می‌کنم و مرا در آنچه رفته است بر تو هیچ حجتی نخواهد بود با آنکه در او قضای تو بوده و حکم (تکوینی) و امتحان و آزمایش تو مرا بر آن ملزم ساخته

**وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي**

و با این حال بار خدایا به درگاهت پس از تقصیر و ستم بر نفس خود باز آمده‌ام

**مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مَقْرَأً مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَتْ مِنِّي وَلَا مَفْرَعًا  
أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي**

با عذر خواهی و پشیمانی و شکسته دلی و تقاضای عفو و آمرزش و توبه و زاری و تصدیق و اعتراف بر گناه خود نه از آنچه کردم مغری دارم و نه جایی که برای اصلاح کارم بدانجا روی کنم و پناه برم

**غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَإِذْخَالِكَ إِلَيَّ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ**

مگر آنکه تو باز عذرم بپذیری و مرا در پناه رحمت بی‌منتهایت داخل کنی

**اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكْنِي مِنْ شِدِّ وَثَاقِي**

ای خدا عذرم بپذیر و بر این حال پریشانم ترحم فرما و از بند سخت گناهانم رهایی بخش

**يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي**

ای پروردگار من بر تن ضعیف و پوست رقیق و استخوان بی‌طاقتم ترحم کن

**يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَعْدِيَّتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي**

ای خدایی که در اول به خلعت وجودم سرافراز کردی و به لطف یاد فرمودی و به تربیت و نیکی پرورش دادی و به غذا عنایت داشتی اینک به همان سابقه کرم و احسانی که از این پیش با من بودت بر من ببخش

**يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ**

ای خدای من ای سید و مولای من آیا باور کنم که مرا در آتش می‌سوزانی با وجود آنکه به توحید و یکتائیت گرویدم

**وَبَعْدَ مَا أَنْطَوِي عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ**

و با آنکه دلم به نور معرفتت روشن گردید

**وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعًا  
لِرَبُّوبِيَّتِكَ**

و زبانم به ذکرت گویا شد و در باطنم عقد محبت استوار گردید و بعد از آنکه از روی صدق و خضوع و مسکنت به مقام ربوبیتت اعتراف کردم

**هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ نُضِيعَ مِنْ رَيْبَتِهِ أَوْ نُبْعَدَ مِنْ أَدْنَيْتِهِ**

بسیار دور است که تو کریمتری از اینکه از نظر بیاندازی کسی را که پرورش داده‌ای آن را یا آنکه دور کنی کسی را که نزد خود کشیده

**أَوْ نُسْرِدَ مِنْ آوَيْتِهِ أَوْ نُسَلِّمَ إِلَيْ الْبَلَاءِ مِنْ كَفَيْتَهُ وَرَحْمَتِهِ**

یا برانی آنکه را که به او جا داده‌ای یا بسیاری بسوی بلاء آنکه را که به او کفایت کرده‌ای و رحم نموده‌ای

**وَ لَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَ إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أُنْسَلِّطُ النَّارَ عَلَيَّ وَ جُوهَ خَرَّتْ لِعِظَمَتِكَ سَاجِدَةً**

و ای کاش ای خدای من و سید و مولای من بدانستمی که تو آتش قهرت را مسلط می‌کنی بر آن رخسارها که در پیشگاه عظمتت سر به سجده عبودیت نهاده‌اند

**وَ عَلَيَّ الْأُسْنُ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً**

یا بر آن زبانها که از روی حقیقت و راستی ناطق به توحید تو و گویا به حمد و سپاس تواند

**وَ عَلَيَّ قُلُوبٌ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً وَ عَلَيَّ ضَمَائِرٌ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً**

یا بر آن دلها که از روی صدق و یقین به خدایی تو معترفند یا بر آن جانها که از علم و معرفت در پیشگاه جلالت خاضع و خاشعند

**وَ عَلَيَّ جَوَارِحٌ سَعَتْ إِلَيَّ أَوْطَانِ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً وَ أَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً**

یا بر آن اعضایی که مشتاقانه به مکانهای عبادت و جایگاه طاعتت می‌شتابند و به اعتقاد کامل از درگاه کرم‌ت آمرزش می‌طلبند

**مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَ لَا أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ**

و هیچکس به تو این گمان نمی‌برد و چنین خبری از تو ای خدای با فضل و کرم به ما بندگان نرسیده

**وَ أَنْتَ نَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنَ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عُقُوبَاتِهَا**

در صورتی که تو خود بی‌طاقتیم را بر اندک رنج و عذاب دنیا و آلامش می‌دانی

**وَ مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَيَّ أَهْلِهَا عَلَيَّ أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنَهُ يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ قَصِيرٌ مُدْنَهُ**

و آنچه جاری شود در آن از بد آمدنی‌های آن بر اهل آن با آنکه رنج و الم دنیا اندک است و زمانش کم است و دوامش ناچیز است و مدتش کوتاه است

**فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَ جَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا**

پس من چگونه طاقت آرم و عذاب عالم آخرت و آلام سخت آن عالم را تحمل کنم

وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَ  
سَخَطِكَ

و حال آنکه مدت آن عذاب طولانی است و زیست در آن همیشگی است و بر اهل عذاب در آنجا هیچ تخفیفی نیست چرا که آن عذاب تنها از قهر و غضب و انتقام توست

وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي وَ أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ  
الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ

که هیچکس از اهل آسمان و زمین تاب و طاقت آن ندارد ای سید من پس من بنده ناتوان ذلیل و حقیر و فقیر و دور مانده تو چگونه تاب آن عذاب دارم

يَا إِلَهِي وَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ لَأَيُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو وَ لِمَا مِنْهَا أَضِجُ وَ أَبْكِي

ای خدای من ای پروردگار من و سید و مولای من از کدامین سختیهای امورم بسویت شکایت کنم و از کدام يك به درگاهت بنالم و گریه کنم

لَأَلِيمُ الْعَذَابَ وَ شِدَّتِهِ أَمْ لَطُولُ الْبَلَاءِ وَ مَدَّتِهِ

از دردناکی عذاب آخرت بنالم یا از طول مدت آن بلای سخت زاری کنم

فَلَيْنَ صَبْرَتِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ وَ فَرَقْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَائِكَ وَ  
أَوْلِيَائِكَ

پس تو مرا با دشمنانت اگر به انواع عقوبت معذب گردانی و با اهل عذابت همراه کنی و از جمع دوستان و خاصانت جدا سازی

فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرْتُ عَلَيَّ عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَيَّ فِرَاقِكَ

در آن حال گیرم که بر آتش عذاب تو ای خدای من و سید و مولای من و پروردگار من صبوری کنم چگونه بر فراق تو صبر توانم کرد

وَ هَبْنِي يَا إِلَهِي صَبْرْتُ عَلَيَّ حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْكَ كَرَامَتِكَ

و گیرم آنکه بر حرارت آتشت شکبیا باشم چگونه چشم از لطف و کرمیت توانم پوشید

أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَ رَجَائِي عَفْوِكَ

یا چگونه در آتش دوزخ آرام گیرم با این امیدواری که به عفو و رحمت بی‌منتهایت دارم

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ أَفْسِمُ صَادِقًا لئنُ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لَأَضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْمَلِينِ

باری به عزت ای سید و مولای من به راستی سوگند می‌خورم که اگر مرا با زبان گویا (به دوزخ) گذاری من در میان اهل آتش مانند دادخواهان ناله می‌کنم

**وَلَا صُرْحَنَ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِحِينَ**

و بسی فریاد می‌زنم بسویت مانند شیون گریه کنندگان

**وَلَا بُكَيْنَ عَلَيْكَ بَكَاءَ الْفَاقِدِينَ وَ لَا نَادِيَتِكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ**

و بنالم به آستانت مانند عزیز گم کردگان و به صدای بلند تو را می‌خوانم که ای یاور اهل ایمان

**يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ**

و ای منتهای آرزوی عارفان و ای فریادرس فریاد خواهان و ای دوست دل‌های راستگویان و ای یکتا  
خدای عالمیان

**أَفْتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَ بِحَمْدِكَ نَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ**

آیا درباره تو ای خدای پاک و منزّه و ستوده صفات گمان می‌توان کرد که بشنوی در آتش فریاد  
بنده مسلمی را که به نافرمانی در دوزخ زندانی شده

**وَ ذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَ حَسِبَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَ جَرِيرَتِهِ**

و سختی عذابت را به کیفر گناه می‌چشد و میان طبقات جهنم به جرم و عصیان محبوس  
گردیده

**وَ هُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمِلٍ لِرَحْمَتِكَ وَ يَنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَ يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ**

و ضجه و ناله‌اش با چشم انتظار و امیدواری به رحمت بی‌منت‌هایت بسوی تو بلند است و به زبان  
اهل توحید تو را می‌خواند و به ربوبیتت متوسل می‌شود

**يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ**

باز چگونه در آتش عذاب خواهد ماند در صورتی که به سابقه حلم نامنت‌هایت چشم دارد

**أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ**

یا چگونه آتش به او الم رساند و حال آنکه به فضل و کرمیت امیدوار است

**أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبِهَا وَ أَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ**

یا چگونه شراره‌های آتش او را بسوزاند با آنکه تو خدای کریم ناله‌اش را می‌شنوی و می‌بینی  
مکانش را

**أَمْ كَيْفَ يَسْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ**

یا چگونه شعله‌های دوزخ بر او احاطه کند با آنکه ضعف و بی‌طاقتیش را می‌دانی یا چگونه به  
خود بیچد و مضطرب بماند در طبقات آتش با آنکه تو به صداقت (دعای) او آگاهی



**أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ رَبَّانِيَّتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهٗ**  
یا چگونه مأموران دوزخ او را زجر کنند با آنکه به صدای یا رب تو را می‌خواند

**أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فِتْنَتُكَ فِيهَا**  
یا چگونه به فضل تو امید آزادی از آتش دوزخ داشته باشد و تو او را به دوزخ واگذاری

**هِيَآتَمَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَ لَا مُشْبِهَ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوحِدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَ**  
**إِحْسَانِكَ**

هیئات که هرگز چنین معروف نباشد و این گمان نرود و به رفتار با بندگان موحدت که همه احسان و عطا بوده این معامله شباهت ندارد

**فِيالْبَقِيَّةِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ وَ قَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ**  
پس من به یقین قاطع می‌دانم که اگر تو بر منکران خدایت حکم به آتش قهر خود نکرده و فرمان همیشگی عذاب دوزخ را به معاندان نداده بودی

**لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ مَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأً وَ لَا مَقَامًا**  
محققا تمام آتش دوزخ را سرد و سالم می‌کردی و هیچکس را در آتش جای و منزل نمی‌دادی

**لَكِنَّكَ تَقْدَسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتُ أَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ**  
و لیکن تو ای خدا نامهای مبارکت مقدس است و قسم یاد کرده‌ای که دوزخ را از جمیع کافران

**مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَ أَنْ نُخَلَّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ**  
جن و انس پر گردانی و مخلد سازی معاندان را در آن عذاب

**وَ أَنْتَ جَلَّ تَنَاطُوكَ قُلْتَ مَبْدِنًا وَ نَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا أَمْ مَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ**  
و تو را ستایش بی‌حد سزااست که با وجود آنکه خویش را ثنا گفتی و به همه انعام نمودی در کتاب خود فرمودی آیا (در آخرت) اهل ایمان با فاسقان یکسانند هرگز یکسان نیستند

**إِلٰهِي وَ سَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَ بِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَكَمْتَهَا وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ**  
**أَجْرِيَّتَهَا**

ای خدای من و سید من از تو درخواست می‌کنم به مقام قدرتت (و آن قدرت ازلی) که مقدرات عالم بدان کردی و به مقام قضای مبرم که بر هر که فرستادی غالب و قاهر شدی

**أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ وَ كُلَّ ذَنْبٍ أَدْنَبْتَهُ**  
که مرا ببخشی و در گذری در همین شب و همین ساعت هر جرمی و هر گناهی که کرده‌ام

**وَ كُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ وَ كُلِّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ**

و هر کار زشتی پنهان داشته‌ام و هر عملی (مستور و عیان) آشکار یا پنهان به جهالت مرتکب شده‌ام

**وَ كُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِبْتِغَائِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي**

و هر کار بدی که فرشتگان عالم پاك را مأمور نگارش آن نموده‌ای و آن فرشتگان را به حفظ هر چه کرده‌ام موکل ساختی

**وَ جَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي وَ كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ**

و شاهد اعمالم با جوارح و اعضای من گردانیدی و خود و رای فرشتگان مراقب من بودی

**وَ الشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَ بِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَ بِفَضْلِكَ سَرَّتَهُ**

و شاهد و ناظر بر آن اعمال من که از فرشتگان هم به فضل و رحمتت پنهان داشته‌ای همه را بیخشی

**وَ أَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ**

و نیز درخواست می‌کنم که مرا حظ وافر بخشی از هر خیری که می‌فرستی و هر احسانی که می‌افزایی

**أَوْ بِرِّ نَسْرَتِهِ أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَا تَسْرُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ**

و هر نیکویی که منتشر می‌سازی و هر رزق و روزی که وسیع می‌گردانی و هر گنه که می‌بخشی و هر خطا که بر آن پرده می‌کشی ای رب من ای رب من ای رب من

**يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مَالِكِ رَقِي يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي**

ای خدای من ای سید و مولای من ای کسی که زمام اختیارم به دست اوست ای واقف از حال زار و ناتوانم

**يَا عَلِيمًا بَصْرِي وَ مَسْكِنَتِي يَا خَيْرًا بِفَقْرِي وَ فَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ**

ای آگاه از بینوایی و وضع پریشانم ای آگاه به احتیاجم و بی‌چیزیم ای رب من ای رب من ای رب من

**أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ وَ أَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَ أَسْمَائِكَ**

از تو درخواست می‌کنم به حق حقیقتت و به ذات مقدست و بزرگترین صفات و اسماء مبارکت

**أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَ أَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً**

که اوقات مرا در شب و روز به یاد خود معمور گردانی و پیوسته به خدمت بندگیت بگذرانی و اعمالم را مقبول حضرتت فرمایی

**حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَ أَوْزَادِي كُلُّهَا وَرَدًا وَاحِدًا وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا**

تا کردار و گفتارم همه يك جهت و خالص برای تو باشد و احوالم تا ابد به خدمت و طاعتت مصروف گردد

**يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مَعْوَلِي يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ**

ای سید من ای کسی که تمام اعتماد و توکلم بر اوست و شکایت از احوال پریشانم به حضرت اوست ای رب من ای رب من ای رب من

**قُوُّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَ أَشَدُّ عَلَيَّ الْعَزِيمَةُ جَوَانِحِي وَ هَبْ لِي الْجِدْفِي فِي خَشْيَتِكَ وَ الدَّوَامَ فِي الْإِنِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ**

و به اعضا و جوارحم در مقام بندگیت قوت بخش و دلم را عزم ثابت ده و ارکان وجودم را به خوف و خشیت سخت بنیان ساز و پیوسته به خدمت در حضرتت بدار

**حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مِيَادِينِ السَّابِقِينَ وَ أَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ**

تا آنکه من در میدان طاعتت بر همه پیشینیان سبقت گیرم و از همه شتابندگان به درگاہت زودتر آیم

**وَ أَشْتَأِقُ إِلَيْ قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَأَقِينَ وَ أَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ**

و عاشقانه با مشتاقانت به مقام قرب حضرتت بشتابم و مانند اهل خلوص به تو نزدیک گردم

**وَ أَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ وَ أَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ**

و بترسم از تو مانند ترسیدن یقین کنندگان و با اهل ایمان در جوار رحمتت همنشین باشم

**اللَّهُمَّ وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَ مَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ**

خدایا و هر که با من بد اندیشد تو مجازاتش کن و هر که مکر ورزد به کیفرش برسان

**وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ وَ أَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ**

و مرا بلطف و رحمتت نصیب بهترین بندگانت عطا کن و مقام مقربترین

**وَ أَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَ جِدْ لِي بِجُودِكَ**

و مخصوص ترین خاصان حضرتت کرامت فرما که هیچکس جز به فضل و رحمتت این مقام نخواهد یافت و باز جود و بخشش بی عوض از من دریغ مدار

**وَ اعْظِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَ احْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ اجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَ قَلْبِي بِحُبِّكَ مَتِيمًا**

بزرگی و مهربانی کن و مرا به رحمت و اسعوات از شر دو عالم محفوظ بدار و زبانم را به ذکر خود گویا ساز و دلم را از عشق و محبت بی تاب گردان

وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ وَأَقْلَنِي عَثْرَتِي وَاعْفِرْ زَلَّتِي

و بر من منت گذار و دعايم مستجاب فرما و از لغزشم بگذر و خطايم ببخش

فَأِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ بِعِبَادَتِكَ وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ

که تو خود به بندگان از لطف دستور عبادت دادی و امر به دعا فرمودی و اجابت را ضمانت کردی

فَأَيْنِكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي

اینک من به دعا رو بسوی تو آوردم و دست حاجت به درگاه تو دراز کردم

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ مِنِّي فَضْلِكَ رَجَائِي

پس به عزت و جلالت قسم که دعايم مستجاب گردان و مرا به آرزويم (که وصال توست) برسان و اميدم را به فضل و کرمت نااميد مگردان

وَ اكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي يَا سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ

و از شر دشمنانم از جن و انس کفایت فرما ای که از بندگانت بسیار زود راضی میشوی ببخش بر بندهای که بجز دعا و تضرع بدرگاهت، مالک چیزی نیست

فَأِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنَى

که تو هر چه خواهی میکنی ای که نامت دواي دردمندان و یادت شفاي بیماران است و طاعتت بی نیازی از هر چه در جهان

ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ

ترحم کن به کسی که سرمایه اش امید به توست و اسلحه اش گریه است

يَا سَائِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ

ای بخشنده کاملترین نعمت، ای دفع کننده هر بلاء و مصیبت، ای نور دل‌های وحشت زده در ظلمات (فراق) و ای دانای علم ازل تا ابد بی آموختن

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ رَسُولَهُ وَ الْأَنْمَةَ الْأَمِيَامِينَ مِنْ

آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

درود فرست بر محمد و آل محمد و با من آن کن که لایق حضرت توست و درود و رحمت خدا بر رسول گرامیش و امامان با برکات از اهل بیتش و سلام و تحیت بسیار بر آن بزرگواران باد.